

فرمان انتقال ارزش ها به نوجوانان از خانواده صادر می شود

■ بسیج دانش آموزی از جمله بسترهایی برای رشد و خودسازی نوجوانان است. آن هم در روزگاری که دغدغه نسل مسئولیت پذیر و با انگیزه مطرح است، به گفته حسن ترشیزی، جانشین سازمان بسیج دانش آموزی استان گیلان و مسلم حزبلوی، مسئول بسیج دانش آموزی استان فارس، دانش آموزی که وارد مسیر ارزش های انقلاب و فرهنگ بسیج می شود، در حقیقت راه رشد، خودشناسی و خدمت را در پیش گرفته است. آنان معتقدند نقش خانواده ها در این مسیر تعیین کننده است، چراکه بدون حمایت والدین، تربیت انقلابی و تداوم فرهنگ اینار ممکن نخواهد بود. این دو مسئول تأکید دارند، فعالیت های جهادی نه تنها لطمه ای به تحصیل وارد نمی کند، بلکه روحیه مسئولیت پذیری، نظم و انگیزه خدمت را در نوجوانان تقویت می کند. به باور آنان، وقتی نوجوان در کنار خانواده و در فضای بسیج طعم خدمت، همدلی و مسئولیت را تجربه می کند، تفاوت او با دیگر همسالانش در اعتماد به نفس، خودباوری و نشاط معنوی کاملاً محسوس است | صفحه ۹

پرونده ویژه «جوان» به مناسبت ۸ آبان سالروز شهادت حسین فهمیده، روز نوجوان و بسیج دانش آموزی

همه نوجوانان ایران «فهمیده» اند



نگاه

سینمای کودک و نوجوان یک نظام تربیتی است

ناصر سهرابی*

نسل امروز در جهانی رشد می کند که مفاهیم به سرعت تغییر می کنند. او در معرض روایت های جهانی از جنگ و صلح است و دیگر با تکرار کلیشه ها ارتباط برقرار نمی کند. از این رو، بازنمایی دفاع مقدس در سینمای کودک و نوجوان باید باز تعریف مفهومی باشد. دفاع مقدس نه صرفاً جنگی در گذشته، بلکه کنشی اخلاقی در هر زمان است، یعنی دفاع از حقیقت، از وطن، از انسانیت. وقتی کودک و نوجوان در فیلم می بیند که قهرمان داستان، با فداکاری یا مهربانی از دیگری حمایت می کند، او ناخودآگاه با ارزش های دفاع مقدس آشنا می شود بی آنکه نیاز به توضیح اضافه داشته باشد. در چنین روایت هایی، محور نه اسلحه بلکه انسان است؛ انسانی که میان خودخواهی و ایثار یکی را برمیگزیند. آیا سکسناسی از این سینمایی تر در دوران دفاع مقدس دارید؟

حسین فهمیده در جریان نبرد خرمشهر، زمانی که نیروهای عراقی با تانک به نیروهای ایرانی نزدیک می شدند، با دیدن تانکی که قصد عبور از خط مقدم را داشت، نارنجک به خود بست و خود را زیر تانک دشمن انداخت. این حرکت خودجوش و حماسی باعث توقف کامل تانک های بعدی شد و او برای همیشه در خاطر مردمان این دیار به یادگار ماند. حسین فهمیده در کنار نام های دیگری چون: بهنام محمدی، رضا پناهی و حسن شاطری با عملکردشان، ایثار، شجاعت و مقاومت را رنگی دیگر بخشیدند. امام خمینی درباره حسین فهمیده فرمود: رهبر ما آن طفل ۱۳ ساله ای است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بالاتر است، با نارنجک خود را زیر تانک انداخت و آن را منهدم کرد.

سینمای کودک و نوجوان، تنها یک ژانر نیست، بلکه نظامی تربیتی و فرهنگی است. مخاطب این سینما، نسلی در حال شکل است که جهان را از دریچه تصویر می فهمد. در روزگاری که رسانه ها مرجع اصلی ادراک اجتماعی شده اند، فیلم کودک و نوجوان می تواند همان نقشی را ایفا کند که نظام آموزشی در

قرن های گذشته بر عهده داشت: آموزش از راه احساس. سینمای کودک و نوجوان بیش از یک ابزار سرگرمی است؛ این سینما محیطی آموزشی، تربیتی و فرهنگی برای شکل گیری شخصیت نسل آینده است. بازنمایی ارزش های دفاع مقدس در این عرصه، به معنای حفظ حافظه تاریخی و تثبیت هویت ملی، اخلاقی انسانی است. نسلی که دفاع مقدس را تجربه نکرده، تنها با روایت های تصویری و داستانی می تواند با مفاهیم ایثار، شجاعت، همدلی و امید ارتباط برقرار کند.

در این مسیر، سینمای کودک با ابزارهای ویژه خود- قصه پردازی، تصویرسازی شاعرانه، تخیل و استعاره - توانایی آن را دارد که پیام های عمیق انسانی را به شکل ملموس و قابل درک برای مخاطب کودک و نوجوان منتقل کند. تجربه جهانی نشان داده است که روایت جنگ از دید کودک، نه تنها مؤثر، بلکه اخلاق محور و جهانی است. بازنمایی دفاع مقدس در چنین قالبی می تواند ارزش های بنیادین را نه به صورت

نوجوان قهرمان هنوز زنده است

فقط یک ابزار است. همین ابزار، اگر دست آدم درستی باشد، می شود دوربین، می شود دفتر چه یادداشت، می شود مستندنگاری و حتی می شود یک سلاح برای مبارزه با دشمن که در کف فضای مجازی و پیام رسان های مختلف به چشم می بینیم و می شنویم. همین گوشه‌ی تریبون کمک به دانش آموزان و نوجوانان می شود و پلی میان دل هایی که هنوز به «تغییر» باور دارند. همه ما نوجوان هایی را دیده ایم، بی آنکه کسی بهمان بگوید صفحه ای ساخته اند برای پوشش های مردمی، با گروه های جهادی رفته اند مدرسه رنگ کرده اند، کلاس گذاشته اند، معلم بچه ها شده اند. دیدم که چطور در دل خاک و گرم، بدون تریبون و تشویق، آستین بالا زده اند و گفته اند: «بذار من یه کاری بکنم.» همین ها همین امروز و همین لحظه در کف پیام رسان ها با باورهای غلط در حال جنگیدن هستند.

نوجوان امروز فقط باید یاد بگیرد و بعد انتخاب کند که مصرف کننده باشد یا یک کنشگر اجتماعی فعال که تأثیر گذار است. در دنیای مجازی، تماشاجی بودن آسان تر از بازگیر بودن است، اما نوجوانی که بلد است محتوا تولید کند، ایده بدهد، تجربه زیست سالم با سبک زندگی ایرانی - اسلامی خود را به اشتراک بگذارد، الهام بخش باشد، یا حتی یک قدم کوچک برای بهتر شدن جهان بردارد، همانی است که آینده روی دوش او خواهد ایستاد، اما ما چه می توانیم بکنیم که نوجوان هایمان قهرمان های امروز باشند؟ ساده است. باید باورشان کنیم. باید به آنها فرصت بدهیم. باید الگوهای واقعی شان را (نه فقط سلبی ری ها) برجسته و به آنها نشان دهیم. باید تجربه های واقعی به آنها بدهیم؛ از اردوهای جهادی گرفته تا کارهای داوطلبانه و خیریه و حتی گذاشتن یک پست تأثیرگذار ساده در فضای مجازی. باید بگذاریم زندگی را لمس کنند.

اگر امروز حسین فهمیده زنده بود؟ شاید در یک روستای محروم کنار نوجوانی دیگر ایستاده بود. شاید پست آموزشی می ساخت. شاید یک توییت تأثیرگذار می زد. شاید اصلاً یک بازی خلق می کرد که توان امنیتی و دفاعی کشورش را به رخ دشمن بکشد، شاید یک سرود را جهانی می کرد، شاید لبخند به یک کودک هدیه می داد، شاید با یک نوجوان فلسطینی همزاد پنداری می کرد. هر چه بود می دانست که قهرمان بودن سخت نیست. شما چطور نوجوان امروزی؟ می خواهی فقط نظاره گر و یک تماشاجی صرف باشی تا دنیا و جهان و محیط پیرامون برای تو تصمیم بگیرد؟ یا با همان گوشی در دست، دنبال فرصتی باشی تا کاری کنی تا جهان را از حیث وجود دشمنان آگاه کنی و ذات پلید آنها را برملاسازی تا اثر بگذاری. تا قهرمان باشی و قهرمان بمانی.

خودمانی

نیره ساری

در هیاهوی روزمره، میان این همه خبر و تصویر و پیام، گاهی فقط یک اسم کافی است تا آدم لطمه ای مکث کند؛ مثل اسم «حسین فهمیده». همین که به گوش مان می خورد، بی اختیار تصویری می آید جلوی چشمان مان که سال ها قبل آن را ساختم. نوجوان بسیجی که با نارنجک رفت زیر تانک دشمن تا از خاکش دفاع کند. برای خیلی از ما شاید این تصویر فقط یک خاطره کمرنگ از صفحات کتاب درسی است؛ قصه ای دور، متعلق به نسلی که دیگر نیست؛ نسلی که انگار دوره آنها تمام شده است! اما راستش را بخواهید، نوجوان قهرمان هنوز زنده است. فقط شکل آن تغییر یافته است. شاید لازم نباشد کسی زیر تانک برود، هر چند در همین جنگ ۱۲ روزه نوجوان غیوری برای دفاع از مردم و خاک وطن جان



این قهرمانی ها نارنجک نمی خواهند؛ فقط یک دل مسئول می خواهند. دل کسی که وقتی همه تماشا می کنند، او برخیزد. کسی که به جای غر زدن، آستین بالا بزند. کسی که نگران آدم های دیگر هم باشد، نه فقط خودش. امروز ابزار قهرمانی شاید یک پست مفید مجازی است، شاید یک روز وقت گذاشتن برای یک کودک کار، شاید یک شب بی خوابی برای ویرایش فیلم آموزشی باشد. فرق ندارد؛ نیت اگر درست باشد، هر ابزاری می تواند سلاحی برای ساختن باشد.

قهرمان هایی که مدال ندارند، ولی لبخند بچه های روستایی، دست های رنگی شان، یا صدای

بر کف در لباس انجام وظیفه تا آخرین نفس مانندن و جنگیدند. با این همه هنوز هم می شود جهان را حتی ذره ای بهتر تحویل نسل بعدی داد. فقط باید آن نوجوان را صدا کنیم؛ همان قهرمان بی سروصدا را که با یک گوشی در دست، دلش برای آدم ها می تپد و بلد است، کاری بکند. همین هایی که امروز هم در خیابان می بینیم و از کنار آنها شاید بی تفاوت عبور کنیم.

این روزها نوجوانی آسان نیست. از یک طرف، سیل اطلاعات و سرگرمی؛ از طرف دیگر، توقع بزرگ ترها باعث شده تا نسل امروز، نسل گوشه به دست ها شناخته شوند، اما ما غافلیم از اینکه گوشی



انیمیشن به عنوان رسانه ای جذاب، چند لایه و جهانی، توانایی منحصر بفردی در انتقال مفاهیم پیچیده به زبانی ساده و عاطفی دارد. در ایران با وجود سابقه چهار دهه از پایان جنگ تحمیلی، هنوز دغدغه بازنمایی ارزش های دفاع مقدس در قالب های نو همچنان زنده است. با این حال، انیمیشن های ایران در ایفاي این نقش مهم کمتر موفق بوده اند. بیشتر تولیدات این حوزه یا به سطح آثار سفارشی و شعاری صرف تقلیل یافته اند یا در سطح فنی و روایی نتوانسته اند با سلیقه سخت پسند نسل امروز ارتباط خاصی برقرار کنند.

یکی از دلایل مهم این ناکامی و شکست، فقدان نگاه داستان محور و انسانی در روایت جنگ است. بسیاری از آثار به زبان پرداخت به تجربه فردی، اخلاقی و روانی قهرمانان، صرفاً باز تولید صحنه های نبرد و شعارهای تکراری اند، در حالی که برای نسل جوانی که در فضای دیجیتال رشد کرده، ارزش هایی چون ایثار و مقاومت تنها زمانی معنا پیدا می کند که در بستر داستان هایی انسانی، باورپذیر و احساسی بازآفرینی شود.

مشکل دیگر، فاصله خیلی زیاد انیمیشن ایران با استانداردهای جهانی است. کمبود سرمایه، ضعف در طراحی شخصیت های جذاب و مخاطب پسند و ناآشنایی با حافظه تاریخی یک ملت شجاع و جسور و ذهن جستجوگر نسل جوان. آینده این روایت نه در تکرار گذشته، بلکه در بازآفرینی خلاقانه و جدید آن نهفته است.

* بازگیر و کارگردان تئاتر و سینما



سردار مجتبی باستان

رئیس سازمان بسیج دانش آموزی:

دهه هشتادی و نودی ها نسل طلایی کشور هستند



حجت الاسلام مصطفی سرائی، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج دانش آموزی:

به نوجوان امروز نشان دهیم

قهرمانان دیروز

از جنس خودشان بودند



مهران موزون

پژوهشگر حوزه سایبری و فعال رسانه ای:

مثلت «مادر، مسجد و مدرسه»

جبهه ای برای انتقال ارزش ها به نوجوانان است



جهانگیر اسلام پرست، رئیس سازمان بسیج دانش آموزی آذربایجان غربی:

نوجوان امروز در چندین جبهه از جامعه ایران دفاع می کند